

۳۴ - آداب احتفالات¹

و نیز از حضرت بهاءالله در لوحی است قوله الاعلی: آن اتحدوا فی ایام الله بذلك ينتشر امره بین العباد و تمرّ النَّفحات علی البلاد آن استمعوا ما نُصحتم به من قلم الوحي من لدن عزیزِ جمیل لا تختلفوا فی امر الله لأنّ به تفرح افئدةُ المشركين آن اجتمعوا بالزّوح و الرّیحان ثمّ اتلوا آیات الرحمن . بها تفتح علی قلوبکم ابواب العرفان اذاً تجدوا انفسکم علی استقامةٍ و تروا قلوبکم فی فرح مبين .

و در لوحی خطاب به آقا جمال بروجردی است قوله الامنع: احبای الهی در هر جمع و محفلی که جمع شوند باید به قسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ذظاهر شود که ذرات تراب آن محل شهادت دهند به خلوص آن جمع و جذبه بیانات آن نفس زکیّه ذرات آن تراب را اخذ نماید نه آنکه تراب به لسان حال ذکر نماید انا افضل منکم چه که در حمل مشقات فلاحین صابرم و بکلّ ذی روح اعطای فیض فیاض که در من ودیعه گذارده نموده و مینمایم و مع همه این مقامات عالیّه و ظهورات لا تحصی که جمیع ما یحتاج وجود از من ظاهر است فخر ننموده و نمینمایم و به کمال خضوع در زیر قدم کلّ ساکنم .

و در لوحی خطاب به محمود از بهائیان سر چاه خراسان است قوله الاعلی: باید اولیاء در هر دیار بحکمت و بیان در محافل و مجالس جمع شوند و آیات الهی را قرائت نمایند چه که آیات مُحدث نار محبت است و مُشعل آن ولکن باید در جمیع احوال به حکمت ناظر باشند و اجماع هم از پنج الی نه کافی است و محل هم باید متعدّد باشد چه اگر در یک محل قرار دهند غافلین آگاه شوند و سبب ضوضاء گردد .

و از حضرت عبدالهیه در خطابی است قوله العزیز حضرت شهید ابن شهید علیه بهاء الله الابهی در مجمع روحانیان تلاوت فرمایند :

¹ فی الحدیث . اطفنوا نائرة الضّغائن باللّحم و التّرید . . . اکرموا الضّیف و ذکر من جملة اکرامه تعجیل الطعام و طلاقة الوجه و البشاشة و حسن الحدیث حال المواکلة و مشایعته الی باب الدّار و عن النبی ص انه قال من لم یجب الدّعوة فقد عصی و روی أنّ رجلاً اضااف رسول الله معر اصحابه و کان فیهم رجلٌ صائمٌ فقال له رسول الله اجب احاک و افطر و اقض یوماً مکانه و روی انه قال اذ دعی احدکم الی طعام فلیجب فان کان مفطراً فلیاء کل و ان کان صائماً فلیصل له و فی شرح اللمعة : و یستحبّ الاجابة (اجابة و لیمة العرس) استحباباً مؤکداً و من کان صائماً ندباً فالافضل له الافطار خصوصاً اذا شق بصاحب الدعوة صیامه و فی الخبر عن الصادق أنّ من حق المسلم الواجب علی اخیه اجابة دعوته و قوله (ع) اجب الولیمة و الختان وارد گردند و در حین تلاوت صمت و سکوت کنند و اگر نفسی مکالمه خواهد باید در نهایت ادب به رضایت و اجازت اهل مجلس در کمال فصاحت و بلاغت نماید.

هو الابهی

ای عاشقان روی حق دوستان را محفلی باید و مجمعی شاید که در آن مجامع و محافل بذکر و فکر حق و تلاوت و ترتیل آیات و آثار جمال مبارک روحی لاحتبائه الفداء مشغول و مألوف گردند و انوار ملکوت ابهی و پرتو افق اعلی بر آن مجامع نورا بتابد و این محافل مشارق اذکار است که به قلم اعلی تعیین و مقرر گردیده است که باید در جمیع مدن و قراء تأسیس شود و چون تقرر یابد مجامع خصوصی منسوخ شود ولی حال چون مجامع عمومی در بلاد مؤسس نه چه که سبب هیجان اشرار و تعرض فجّار گردد لهذا محافل خصوصی که عدد نفوس حاضره مطابق عدد اسم اعظم است اگر تأسیس گردد لا بأس فیه و مقصد ازین آن است که درین محافل جمع کثیر حاضر نگردد که بادی جزع و فزع و شیون جهلاء گردد و این مجامع روحانی در نهایت تنزیه و تقدیس ترتیب یابد تا از محل و ارض و هوایش نفعات قدس استشمام گردد و جمال قدم نظر به حکمت امر فرمودند که در بلاد حال بیش از عدد اسم اعظم احباء در جائی اجتماع نمایند موافق حکمت است مقصود این است که در شریعت الهیه محل عبادت و مجمع تلاوت عمومی مشرق الاذکار است و بس و او ناسخ جمیع مجامع و محافل عبادتیه ولی محافل معارف و مجامع خیریه و مجالس شوریه و محاضر نافعۀ نیز جائز بلکه لازم و واجب ولی حال نظر به حکمت کل از محذور خالی نه لهذا باید حال به مجامع روحانیه کفایت گردد و ثمره اول این مجامع جمیع خدمات را علی العجالة باید تکفل نماید و احبای الهی باید بجهت مواد بریه این مجمع بقدر امکان معاونت نمایند تا انشاء الله مشرق الاذکار در نهایت عظمت و جلال تأسیس شود آنوقت این موقت منسوخ گردد و الهاء علیکم یا احباء الله . ع ع

در خطابی دیگر است قوله العزیز : و اما در محافل منعقدۀ باید بکلی مکالمات خارجه واقع نگردد بلکه مصاحبت محصور در ترتیل آیات و قرائت کلمات و اموری که راجع به امر الله است باشد مثل بیان حجج و براهین و دلیل واضح مبین و آثار محبوب العالمین و نفوسی که در آن محفل اند قبل از دخول باید بنهایت نطافت آراسته و توجه بملکوت ابهی نموده در کمال خضوع و خشوع